

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ژاکلین اشلی- ژاکوبین
برگردان: مسعود امیدی
۱۷ فبروری ۲۰۲۴

غزه: از بهشت تا ویرانه



ساحل شیخ اجنین- تصویری از غزه و ساکنان آن پیش از ویرانی و کشتار توسط اسرائیل – عکس: گاردین
"اسرائیل طی دهه‌ها تصویری از غزه به‌عنوان مکان فقر و بدبختی بیرون داده است – جایی که هیچ‌کس نمی‌خواهد [در آنجا] باشد و مردمی در آن ساکن شده‌اند که هیچ‌کس نیازی به آن‌ها ندارد." "این یک استراتژی عمدی برای ترسیم غزه به‌عنوان یک بیابان و مکانی است که باید متمدن شود. با این حال [این تصویر] این واقعیت را نادیده می‌گیرد که غزه از مدت‌ها قبل از نکیه، اقامت‌گاه تمدن‌های در حال رشد بوده است!"

یادداشت مترجم: این مقاله تحلیلی، جایگاه تاریخی غزه، شرایط اقتصادی و زیستی و فرهنگی مردم آن، چگونگی افزایش جمعیت آن پس از شکل‌گیری دولت اسرائیل و کوچاندن مداوم بخش‌های هرچه بیشتری از مردم مناطق مختلف فلسطین به این منطقه، شرایط شکل‌گیری حماس به‌عنوان شاخه‌ی اخوان المسلمین در فلسطین، مناسبات آن با سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف)، رابطه‌ی اسرائیل و غرب با حماس و ساف، چگونگی تغییر استراتژی حماس از کار

فرهنگی و امدادی و خدمات پزشکی و ... به مبارزه‌ی مسلحانه همزمان با روی‌گردانی ساف از مبارزه‌ی مسلحانه و ندادن به موافقت‌نامه‌های اسلو، شکست این موافقت‌نامه‌ها، هدف اسرائیل از حجم گسترده‌ی تخریب و نسل‌کشی امروز در غزه و ... و سرانجام نگاه امروز فلسطینی‌ها و اعراب به حماس ارائه می‌دهد.

به نظر می‌رسد این درک تاریخی می‌تواند به فهم درست آنچه امروز در غزه می‌گذرد، کمک بسیار کرده و پرتوی از روشنایی بر حقانیت و اجتناب‌ناپذیری نبرد خلق فلسطین در برابر فضاسازی‌های فریبنده و سرشار از دروغ رسانه‌های جریان اصلی مسلط و تحت کنترل و هدایت امپریالیسم بتاباند .

انهدام غزه یک اقدام سیاسی بود. مجله‌ی ژاکوبین با آوارگان فلسطینی در مورد غزه‌ی پر جنب و جوش و زیبایی که آن‌ها به یاد دارند و اینکه اسرائیل چگونه سرزمین آن‌ها را ویران کرد، گفتگو کرد.



ابراهیم حسن محمد ابودعما [۲] در طول زندگی‌اش اغلب خود را در حال رویاپردازی می‌دید، و خاطرات دوران کودکی‌اش در غزه را به یاد می‌آورد - خط ساحلی زیبای مدیترانه، صدای موج‌های کوبنده، خیابان‌های آفتابی آراسته‌شده پر از گل‌های شکوفه‌ی رنگارنگ و ماهی‌های تازه صید شده از دریا.

این خاطرات برای او که اکنون هفتاد و دو ساله است و در اردوگاه پرجمعیت پناهندگان الوحدت [۴] در امان [۵]، پایتخت اردن [۶]، زندگی می‌کرد، تا اندازه‌ای مایه‌ی تسلی خاطر بود. او و خانواده‌اش پس از تسلط اسرائیل بر غزه و کرانه‌ی باختری، از جمله بیت‌المقدس شرقی، در طول جنگ سوم اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۶۷، به آنجا گریختند.

پس از اینکه شبه نظامیان صهیونیست آن‌ها را از خانه‌هایشان در یافا [۷]، که اکنون بخشی از شهر اسرائیلی تل آویو [۸] است، در زمان تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ بیرون راندند، خانواده‌ی ابودعما خود را در خان یونس [۹]، دومین شهر بزرگ غزه یافتند. این دوره به عنوان نکهه [۱۰] یا "فاجعه" [۱۱] شناخته شده است. که طی آن حدود ۷۵۰۰۰ فلسطینی از سرزمین‌های خود در جایی که به کشور اسرائیل تبدیل شد، آواره شدند.

خانواده‌ی ابودعما به‌رغم از دست دادن همه چیز، پیش از اینکه برای بار دیگر مجبور به فرار از اسرائیل شوند، خانه‌ی جدیدی در غزه که حدود دو دهه تحت کنترل مصر افتاده بود، برای خود ساختند.

دیما که در مغازه‌ی نزدیک خانه‌اش در امان نشسته است، می‌گوید: "غزه بسیار زیبا بود." او پانزده ساله بود که از منطقه‌ی تحت محاصره‌ی ساحلی فرار کرد. می‌گوید: "قطعه‌ای از بهشت بود. زندگی بسیار پرثمر بود و ما احساس خوشنودی زیادی داشتیم. ما اگر می‌توانستیم، برای همیشه آنجا می‌ماندیم."

با این حال، در چند ماه گذشته، ابودعما با وحشت شاهد تبدیل شدن اقامت‌گاه دوران کودکی‌اش به ویرانه‌ای بوده است. مباران بی‌سابقه و تهاجم زمینی اسرائیل به نوار غزه - یکی از پرجمعیت‌ترین مناطق جهان - تاکنون بیش از بیست و هفت هزار فلسطینی را که بیشتر آن‌ها زن و کودک هستند، کشته است.

حمله‌ی اسرائیل در ۷ اکتبر در پاسخ به عملیات طوفان الاقصی آغاز شد، زمانی که گردان‌های قسام، شاخه مسلح حماس، که نوار غزه را اداره می‌کند، حمله‌ی نظامی غافلگیرانه و پیچیده‌ای را به جنوب اسرائیل انجام داد که با صدها کشته و گرفتن بیش از ۲۴۰ نفر اسرای اسرائیلی و تعدادی خارجی همراه بود.

از آن زمان، شمال غزه ویران شده است و اسرائیل عملیات خود را در مرکز و جنوب غزه تشدید کرده و کل محله‌ها را در مسیر خود محو کرده است. ابودعما می‌گوید: "کاری که اسرائیل با غزه انجام می‌دهد بسیار بدتر از هر چیزی است که قبلاً تجربه کرده بودیم. اسرائیل از ۷ اکتبر دست کم پنج تن از عموزاده‌هایش را کشته است. حتی مقایسه‌ی تجربیات من در سال ۱۹۶۷ با آنچه امروز در غزه اتفاق می‌افتد، دشوار است."

وی می‌افزاید: "اما هر چه باشد، مقاومت فلسطین هرگز نمی‌میرد و ما هرگز از پا نمی‌ایستیم تا زمانی که به سرزمین‌های خود بازگردیم." تا زمانی که یک فلسطینی زنده بماند، ما به نبرد ادامه خواهیم داد."

از بین بردن میراث باستانی غزه

تصاویر منتشر شده، محله‌های مسطح شده و فلسطینی‌های ناامیدی را به تصویر می‌کشد که برای سرپناه در چادرهای سست جمع شده‌اند. تصور اینکه غزه برای مدت زمانی طولانی - قبل از تأسیس اسرائیل - یک مرکز شکوفا برای فرهنگ و تجارت بود، دشوار است.

ایهاب بسیسو^[۱۱۲]، آکادمیسین فلسطینی و معاون رئیس دانشگاه کالیما^[۱۱۳] در بیت لحم^[۱۱۴]، توضیح می‌دهد که "اسرائیل طی دهه‌ها تصویری از غزه به‌عنوان مکان فقر و بدبختی بیرون داده است - جایی که هیچ‌کس نمی‌خواهد [در آنجا] باشد و مردمی در آن ساکن شده‌اند که هیچ‌کس نیازی به آن‌ها ندارد."

"این یک استراتژی عمدی برای ترسیم غزه به عنوان یک بیابان و مکانی است که باید متمدن شود. با این حال [این تصویر] این واقعیت را نادیده می‌گیرد که غزه از مدت‌ها قبل از نکه، اقامت‌گاه تمدن‌های در حال رشد بوده است."

آنتون^[۱۱۵] که اولین بندر غزه بود، هزاران سال قدمت دارد و یکی از قدیمی‌ترین بنادر مدیترانه است. غزه همچنین یکی از اولین مراکز مسیحیت در فلسطین بود. کلیسای سنت پورفیریوس^[۱۱۶]، کلیسای ارتدکس یونانی در شهر قدیمی غزه، سومین کلیسای قدیمی جهان است.

غزه که به عنوان دروازه‌ی بین خاور و افریقا واقع شده بود، برای قرن‌ها یک مرکز منطقه‌ای تجارت بود. گفته می‌شود که بیش از ۱۵۰۰ سال پیش، هاشم جد بزرگوار پیامبر اسلام با یک کاروان تجاری از شهر عربی مکه به غزه سفر کرده است. پس از بیماری و مرگ، جسد او در غزه به خاک سپرده شد. اعتقاد بر این است که آرامگاه او در زیر مسجد سیدالهاشم^[۱۱۷] در شهر قدیمی^[۱۱۸] قرار دارد که در قرن دوازدهم ساخته شده و به افتخار او نام‌گذاری شده است.

بسیسو که خود اهل غزه است، می‌گوید: "این از منظر اجتماعی و فرهنگی به ما می‌گوید که غزه مرکزی بود که مردم را از عربستان برای مبادله و تجارت با جهان جذب می‌کرد."

طی چند ماه گذشته، اسرائیل نزدیک به دویست مکان تاریخی و فرهنگی در غزه از جمله آنتون، کلیسای سنت پورفیریوس و مسجد سیدالهاشم را ویران و تخریب کرده است.

بسیسو به من می‌گوید که تاریخ باستانی غزه، که هزاران سال در بر می‌گیرد، به تدریج به "مدرنیته و جهان‌شهرگرایی" [۱۹] تکامل یافت. بیمارستان انگلیکان [۲۰] در سال ۱۹۰۶ ساخته شد و هتل‌های جذابی نیز در امتداد سواحل غزه ساخته شد - که اکنون همه‌ی آن‌ها در حملات هوایی از بین رفته‌اند.

در سال ۱۹۴۸، تأسیس دولت جدید اسرائیل منجر به آواره شدن حدود ۸۰ درصد از فلسطینی‌های ساکن در منطقه شد. جمعیت غزه به‌طور ناگهانی منفجر شد و تقریباً یک شبه سه برابر شد، زیرا بیش از دویست هزار پناهنده به داخل این منطقه‌ی کوچک تحت محاصره گریختند.

به گفته بسیسو، بسیاری از این پناهجویان از روستاهای واقع در جایی که اکنون "پوشش غزه" [۲۱] نامیده می‌شود، اخراج شدند. این منطقه شامل مناطق اسرائیلی نشین در ناحیه‌ی جنوبی اسرائیل است که در ۴.۳ مایلی نوار غزه قرار دارد.

آوارگان دیگر از اسدود [۲۲]، روستای ساحلی واقع در شمال شرق غزه، که شبه نظامیان صهیونیست در جریان نکهه بخشی از آن را تخریب کردند، و المجدال [۲۳]، یک شهر فلسطینی که از ساکنان مسلمان و مسیحی آن خالی شده بود، وارد شدند. با ورود یهودیان مهاجر به جای فلسطینی‌ها، المجدل به عسقلان [۲۴] تغییر نام داد.

برخی، مانند خانواده‌ی ابودعما، حدود چهل مایل از یافا را تنها با لباس‌هایی که بر تن داشتند، طی کردند. کمپ‌های پناهندگان ساخته شد و با تبدیل شدن چادرهای موقت به خانه‌های کوچک ساخته شده با بتون، خشم آن‌ها عمیق‌تر شد. امروزه حدود ۸۰ درصد از جمعیت غزه، پناهندگان یا فرزندان کسانی هستند که در سال ۱۹۴۸ از خانه‌های خود رانده شدند.

غزه با وجود دشواری‌های پذیرش هجوم گسترده‌ی پناهندگان، زیبایی خود را از دست نداد. گل‌ها، پرتقال‌ها و توت‌فرنگی‌های آن شهرت جهانی پیدا کردند و بسیار مورد توجه قرار گرفتند. کشاورزان غزه با افتخار به توت‌فرنگی‌های این منطقه برچسب "طلای سرخ" زدند، زیرا صادرات آن‌ها تضمین‌کننده‌ی یک جریان مداوم پول نقد بود. غزه همچنین زمانی [نه چندان دور] یکی از بزرگترین صادرکنندگان گل در جهان بود.

بسیسو به من می‌گوید: "این مکان زیبا بود. این مهم است که بدانیم غزه تصویری نیست که اسرائیل پخش کرده است. جایگاه بدبختی و فقر و سرخوردگی نبود. این مکان بسیار غنی بود - پر از فرهنگ، شادی و رفاه. و این تا سال ۱۹۶۷، زمانی که غزه به طور کامل توسط اسرائیلی‌ها اشغال شد، ادامه یافت.

جنگ ۱۹۶۷



عمر محمود دراز [۲۵] هفتاد و سه ساله، در سال ۱۹۶۷ در اواسط امتحانات نهائی مدرسه‌اش بود که بمب‌ها از آسمان شروع به باریدن کردند. آن پسر هفده ساله بلافاصله وسایلش را رها کرد و به سمت خانه‌ی خانواده‌اش در خان یونس دوید.

دراز می‌گوید: "ما انتظارش را نداشتیم. ما با مقدار کمی غذا و آب از خانه خود فرار کردیم و در نزدیکی دریا پنهان شدیم. روزها آسمان لحاف‌مان شد و زمین تشک ما بود."

سال‌های پس از تأسیس اسرائیل با تنش‌های منطقه‌ای در خاورمیانه توصیف شده است. درگیری‌های مکرر در امتداد مرزهای اعلام شده‌ی یکجانبه‌ی اسرائیل با سوریه و اردن رخ داد. هزاران پناهنده‌ی فلسطینی در جستجوی خویشاوندان یا تلاش برای بازگشت به خانه‌های خود و دوباره به‌دست آوردن دارائی‌های از دست‌رفته‌ی خود، تلاش کردند به اسرائیل بروند که منجر به کشته‌شدن بسیاری از آن‌ها به ضرب گلوله نیروهای اسرائیلی شد.

در طول دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، در حالی که اسرائیل به کشتارهای متناوب در روستاهای فلسطینی ادامه می‌داد، گروه‌های مقاومت مسلح فلسطینی حملات خود را علیه اسرائیل افزایش دادند. اختلافات ارضی، به‌ویژه بین سوریه و اسرائیل، ناشی از اختلاف نظر در مورد استفاده از رود اردن و کشت اسرائیل در امتداد مرز نیز تشدید شد.

جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر در ۵ ژوئن ۱۹۶۷ در پاسخ به تهدیدات اسرائیل علیه سوریه، نیروهای زمینی خود را در شبه‌جزیره‌ی سینا بسیج کرد. اسرائیل با حمله‌ی غافلگیرانه علیه نیروهای مصری پاسخ داد و توانست تقریباً به‌طور کامل نیروی هوایی این کشور را نابود کند. اردن و سوریه به زودی وارد نبرد شدند.

در عرض شش روز، اسرائیل موفق شد نیروهای عربی را سرکوب کند، آن‌ها را عقب براند و مناطق فلسطینی باقی‌مانده در کرانه‌ی باختری تحت کنترل اردن، از جمله بیت‌المقدس شرقی، و نوار غزه که تحت کنترل مصر بود، را تصرف کند. اسرائیل همچنین بلندی‌های جولان سوریه و شبه جزیره‌ی سینا از مصر را تصرف کرد که بعداً در سال ۱۹۸۲ به مصر بازگردانده شد.

شکست نظامی گسترده‌ی ارتش‌های عربی از سوی اسرائیل و تسلط آن بر بقیه‌ی فلسطین تاریخی به "ناکسا" [۲۶] معروف شد که به معنای "هزیمت" یا "شکست" است. حدود سیصد هزار فلسطینی دیگر آواره یا از خانه‌های خود اخراج شدند. حداقل ۱۳۰۰۰۰ فلسطینی برای دومین بار پناهنده شدند.

در طول جنگ، اسرائیل ایستگاه مرکزی قطار در شهر غزه را بمباران کرد و ارتباط این سرزمین با مصر را قطع کرد. علاوه بر این، فرودگاه غزه نیز ویران شد. در سال ۱۹۹۸ بازسازی شد، اما دو سال بعد در جریان انتفاضه‌ی دوم فلسطین در سال ۲۰۰۱ دوباره ویران شد. زمین‌های کشاورزی حاصلخیز غزه به پایگاه‌ها و اردوگاه‌های ارتش اسرائیل تبدیل شد.

دراز با یادآوری سربازان اسرائیلی که در خیابان‌های خان یونس ظاهر شدند، می‌گوید: "آن‌ها هیچ رحمی نداشتند. آن‌ها هر کسی را در برابر چشمشان دیدند، کشتند. آن‌ها هیچ تفاوتی بین پیران، زنان یا کودکان قائل نشدند. اگر حرکتی می‌کردید، شما را می‌کشتند."

در آخرین روز از جنگ ۱۹۶۷، دراز نگاهی اجمالی به پرچم‌های عراق که از روی تانک‌هایی که به سمت خان یونس می‌رفتند و در آسمان در اهتزاز بودند، انداخت. برای یک لحظه احساس آرامش و شادی کرد. عراق حدود بیست و پنج هزار نیرو برای حمایت از نیروهای عرب علیه اسرائیل فرستاده بود. دراز گمان می‌کرد که این پرچم‌ها نشانه‌ی پیروزی ائتلاف عربی است.

دراز به من می‌گوید: "اما این اسرائیلی‌ها بودند که با ما بازی می‌کردند. آن‌ها فقط می‌خواستند با بالا بردن امیدهایمان ما را تحقیر کنند تا بتوانند آن‌ها را خرد کنند." دراز نقل می‌کند که یک سرباز اسرائیلی از طریق میکروفون فریاد زد و به هر کسی که می‌خواست به خانه‌های خود بازگردد، دستور داد با پرچم سفید برافراشته نزدیک شوند.

او به آرامی سرش را تکان می‌دهد: "ما خیلی ترسیده بودیم. احساس می‌کردیم هر لحظه ما را خواهند کشت." خانواده دراز نیز مانند ابودعما از جان خود ترسیدند و به اردن گریختند. آن‌ها هم به اردوگاه پناهندگان الوحده عمان سرازیر شدند.

گروه‌های حقوق بشر در گذشته قتل غیرنظامیان غیرمسلح با پرچم‌های سفید به اهتزاز درآورده، از سوی اسرائیل از جمله در جریان تشدید خشونت اخیر را مستند کرده‌اند. یک زن فلسطینی در غزه در حالی که دست نوهی خردسالش را که پرچم سفیدی بلند کرده بود، گرفته و از مسیر تخلیه‌ای که اسرائیل آن را امن اعلام کرده بود، می‌گذشت، هدف گلوله‌ی یک تک تیرانداز اسرائیلی قرار گرفت و کشته شد. سربازان اسرائیلی همچنین سه گروگان اسرائیلی را که بدون پیراهن بودند، به زبان عبری فریاد می‌زدند و به طور مشابه پرچم‌های سفید را تکان می‌دادند، به ضرب گلوله کشتند. اسرائیل پس از پیروزی نظامیش در سال ۱۹۶۷، "حکم نظامی بسیار شرورانه" را بر فلسطینیان در کرانه‌ی باختری و غزه تحمیل کرد. بسیسو می‌گوید: "این برای شکستن روحیه غزه‌ای‌ها و پناهندگانی که غزه‌ای شدند، طراحی شده بود. بسیسو می‌افزاید: انبوهی از پناهجویان در غزه - که خشم آن‌ها نسبت به آوارگی‌شان از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود - این منطقه‌ی کوچک را به "فانوس دریائی ناسیونالیسم فلسطینی" [۲۷] تبدیل کردند.

دو دهه پس از اشغال کرانه‌ی باختری و غزه توسط اسرائیل، اولین انتفاضه‌ی فلسطین از اردوگاه آوارگان جبالییا [۲۸] در شمال غزه فوران کرد. جبالییا یکی از بزرگترین کمپ‌های پناهندگان در سرزمین‌های فلسطینی و یکی از متراکم‌ترین قطعات زمین (از نظر جمعیت-م) در جهان است. اسرائیل در آخرین تجاوز خود، بخش‌های عظیمی از جبالییا را ویران کرد، این اردوگاه را با حملات هوایی کوبید و صدها نفر را کشت.

در ۸ دسامبر ۱۹۸۷، یک خودروی ارتش اسرائیل با ماشین‌هائی برخورد کرد که کارگران روزمزد فلسطینی را از محل کارشان در اسرائیل به نوار غزه برمی‌گرداندند که منجر به کشته شدن چهار مرد فلسطینی شد که سه نفر از آن‌ها از اردوگاه آوارگان جبالییا بودند. این حادثه از سوی فلسطینی‌ها عمدی تلقی شد. ظرف چند ساعت، اعتراضات، تظاهرات و اقدامات نافرمانی خودجوش از جبالییا به بقیه‌ی نوار غزه، کرانه‌ی باختری و اسرائیل گسترش یافت.

اعضای سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) [۲۹] (که در آن زمان توسط یاسر عرفات - رهبر و بنیان‌گذار حزب فتح که در آن زمان در تونس در تبعید زندگی می‌کرد - رهبری می‌شد، می‌توانستند مسیر سیاسی قیام را در سال‌های بعد شکل دهند. این در سال ۱۹۹۳ که ساف کشور اسرائیل را به رسمیت شناخت و توافقنامه‌ی اسلو [۳۰] را امضا کرد، به اوج خود رسید که هنوز کانون خشم بسیاری از فلسطینیان است.

با این حال، انتفاضه‌ی اول، حماس، مخفف عربی حرکات المقاومة الاسلامیه یا جنبش مقاومت اسلامی [۳۱] را نیز به وجود آورد. و این وعده‌های دروغین و شکست مذاکرات صلح بود که به این گروه قدرت می‌بخشید.

تاریخ حماس

نام "حماس" رسماً در ژانویه‌ی ۱۹۸۸، چند هفته پس از آغاز اولین انتفاضه، ابداع شد. اما این گروه دهه‌ها به عنوان اخوان المسلمین فلسطین در حال توسعه‌ی دامنه‌ی اجتماعی و مذهبی خود بود.

خالد حروب [۳۲]، استاد مطالعات خاورمیانه در دانشگاه نورث وسترن قطر [۳۳] و نویسنده‌ی "حماس: اندیشه و عمل سیاسی" [۳۴] توضیح می‌دهد: [اخوان] که به‌عنوان یک جنبش اجتماعی و مذهبی عمل کرد، همراه با ایجاد برنامه‌های آموزشی و پزشکی، "شبکه‌هائی را در مساجد، انجمن‌های اجتماعی و در جنبه‌های مختلف زندگی [فلسطینی‌ها] ایجاد کرد. اما آن‌ها از هرگونه مقاومت نظامی در برابر اشغالگری اسرائیل اجتناب کردند."

در واقع، اسرائیل در سال ۱۹۷۶ مجوز تأسیس انجمن اسلامی [۳۵] را صادر کرد که به عنوان یک سازمان چتر [۳۶] جهت ارائه‌ی پوشش قانونی و اداری برای اخوان المسلمین عمل می‌کرد. [۳۷] درخواست مجوز توسط شیخ احمد یاسین [۳۸]، یک مرد فلج از دو پا [۳۹] و یک پناهنده‌ی ۱۹۴۸ از الجوره [۴۰]، در نزدیکی اشکلون [۴۱] کنونی، ارائه شده است. یاسین بنیانگذار و رهبر معنوی حماس بود تا اینکه اسرائیل در سال ۲۰۰۴ او را ترور کرد.

اخوان یک استراتژی مقاومت درازمدت را اتخاذ کرد که عمدتاً در غزه متمرکز بود. تأکید آن‌ها بر القای اصول ملی و مذهبی در جوانان فلسطینی و آماده‌سازی آن‌ها برای رویارویی آینده با اشغالگران اسرائیل بود. به گفته‌ی حروب [۴۲]، "موضع آن‌ها این بود که ما در وضعیتی نیستیم که با اسرائیل بجنگیم، زیرا اسرائیل بسیار قوی است و زرادخانه‌ی نظامی قدرتمندی به دست آورده است و ما ضعیف‌ترین بخش هستیم، بنابراین باید به اندازه‌ی کافی برای نبرد آماده شویم."

حروب ادامه می‌دهد: "آن‌ها این استراتژی را تقریباً سال‌ها از نظر مذهبی دنبال کردند - تا جایی که بسیاری از جناح‌های فلسطینی آن‌ها را به همکاری ضمنی یا غیرمستقیم با اشغالگران اسرائیل متهم کردند". با این حال، اندکی قبل از شروع انتفاضه‌ی اول، یک بحث داخلی "بسیار داغ" در بین اعضا به وجود آمد. بسیاری از اعضا استدلال کردند که در طول چندین دهه به اندازه‌ی کافی آماده شده بودند و اکنون زمان آن رسیده است که اسلحه به دست گرفته و مستقیماً با اسرائیل مقابله کنند.

فوران انتفاضه‌ی اول فرصتی به موقع برای اعضا فراهم کرد تا از عدم رویارویی به مقاومت مسلحانه روی آورند. در آغاز قیام، این گروه تغییر شکل داد و خود را به شکل جدیدی تغییر سازمان داد و حماس را به وجود آورد. حروب توضیح می‌دهد: "اما این حرکتی نیست که از صفر شروع شده باشد. آن‌ها نام و استراتژی را تغییر دادند، اما شبکه، بنیان، عضویت و هر چیزی که نسل‌ها در جریان بود، اکنون در میدان مقاومت گسترش یافت. و به همین دلیل است که آن‌ها از روز اول بسیار قوی شروع کردند."

ظهور حماس در صحنه‌ی سیاسی همزمان با تغییر استراتژی ساف از مقاومت مسلحانه به مذاکرات صلح رخ داد. حروب می‌گوید: "پس از تجربه‌ی مبارزه‌ی مسلحانه برای سال‌ها، آن‌ها به این نتیجه رسیدند که ما باید به ابتکارات صلحی که ارائه می‌شوند، گوش دهیم."

مدت کوتاهی پس از انتشار منشور حماس در سال ۱۹۸۸ که بر امتناع آن از به رسمیت شناختن اسرائیل و تجزیه‌ناپذیری سرزمین تاریخی فلسطین تأکید داشت، عرفات در الجزیره [۴۳] سخنرانی کرد و استقلال کشور فلسطین را اعلام کرد. او به قطعنامه‌های بین‌المللی استناد کرد که نشان‌دهنده‌ی تمایل سازمان آزادی‌بخش فلسطین برای پذیرش کشوری در کرانه‌ی باختری و نوار غزه با پایتختی بیت‌المقدس شرقی است. حماس این اقدام را به پذیرش شکست ساف و تسلیم شدن به اسرائیل تعبیر کرد.

حروب توضیح می‌دهد: "شما این نقطه‌ی بحرانی را دارید که در آن دو روند در جهت مخالف وجود دارد - ساف در حال حرکت از مقاومت به مذاکرات صلح و حرکت حماس از یک استراتژی غیر تقابلی با اسرائیل به سوی مقاومت." یک حزب در صحنه‌ی فلسطین از ایدئولوژی مقاومت بیرون می‌آید و دیگری وارد آن می‌شود.

زبان مقاومت حماس به بیشترین اختلاف با موضع نرم‌شونده‌ی ساف رسید. این گروه [حماس] از همان ابتدا، تعهد خود را به "جهاد" در نبرد خود برای آزادی تمام فلسطین تاریخی اعلام کرد.

طارق باکونی [۴۴]، رئیس هیأت مدیره‌ی شبکه [۴۵]، در کتاب "حماس در برادرانده‌ی: ظهور و افول مقاومت فلسطین" [۴۶] می‌نویسد: "حماس برخاست تا راه جایگزینی برای آزادی تبیین‌کند. جهاد نه به عنوان یک تاکتیک، بلکه به عنوان یک استراتژی کل‌نگر تعریف شد که جامعه‌ی فلسطینی می‌تواند حول آن دوباره جمع شود." باکونی [۴۷] می‌گوید: "جهاد به‌عنوان شیوه‌ای برای موجودیت، همچون زیستن در وضعیت جنگی یا تعریف یک روابط خصمانه با دشمن تلقی می‌شد." "جهاد به مبارزه‌ی مسلحانه محدود نمی‌شود، اگرچه این در بردارنده‌ی عنصر مرکزی مأموریت حماس بود. حتی در غیاب عملیات نظامی، فراخواندن به جهاد، حس هویت و هدفی را القا می‌کرد که بار دیگر بر رد کنترل فلسطینیان از سوی اسرائیل تأکید می‌کرد." پیش از این در دهه‌ی ۱۹۹۰، حماس محبوبیت خود را افزایش داده بود و جایگاه خود را به عنوان یک بازیگر قدرتمند در داخل سرزمین‌های فلسطینی نشان داده بود.

وعده‌ی دروغ اسلو

بهرغم اینکه عرفات ۷۸ درصد از زمین‌های از دست رفته‌ی فلسطینی‌ها را در سال ۱۹۴۸ واگذار کرد، امضای پیمان اسلو در سال ۱۹۹۳ برای بسیاری از فلسطینی‌ها که از زندگی در یک اشغال نظامی طولانی خسته شده بودند، مایه‌ی امیدواری شد. به گفته‌ی حروب، محبوبیت حماس در این زمان کاهش یافت. برخی از فلسطینی‌ها مانند عرفات پس از سال‌ها تبعید، اجازه‌ی بازگشت به سرزمین‌های اشغالی فلسطین را پیدا کردند. تشکیلات خودگردان فلسطین (PA) [۴۸] در سال ۱۹۹۴ به‌عنوان یک مرجع اداری موقت تأسیس شد که بتواند بخش‌هایی از کرانه‌ی باختری و نوار غزه را برای یک دوره‌ی موقت پنج ساله اداره کند. پس از این دوره به فلسطینیان وعده‌ی داشتن کشور و حاکمیت مستقل آن‌ها در مرزهای ۱۹۶۷ داده شد. اما پنج سال بدون تشکیل کشور فلسطینی گذشت. در عوض، شهرک‌های اسرائیلی که طبق مقررات بین‌المللی غیرقانونی تلقی می‌شوند، در خاک فلسطین گسترش یافتند و تعداد شهرک‌نشینان بین سال‌های ۱۹۹۳ و ۲۰۰۰ از دویست هزار به چهارصد هزار نفر افزایش یافت. اشغال نظامی اسرائیل سال به سال عمیق‌تر شد و مسجداً اقصی، سومین مکان مقدس در اسلام که به فلسطینیان به عنوان بخشی از پایتخت آینده‌ی آن‌ها وعده داده شده بود، به‌صورت فزاینده‌ای دور از دسترس به نظر رسید.

حماس از همان ابتدا اطمینان داشت که مذاکرات اسلو، مانند همه‌ی مذاکرات صلح فلسطین با اسرائیل، شکست خواهد خورد. [از این‌رو]، خود را آماده کرد تا به‌عنوان کانالی قدرتمند برای [ترمیم] نامیدی‌هایی عمل کند که به ناگزیر با آشکارتر شدن این شکست‌ها، افزایش مئیابند.

حماس در سال ۱۹۹۱ هسته‌های نظامی غیرمتمرکز قبلی خود را در یک شاخه‌ی مسلح متحد کرد و نام آن را به نام عزالدین قسام [۴۹] نامید. القسام [۵۰] یک مبارز سوری بود که از جهاد دفاع کرده و در دهه‌ی ۱۹۳۰ در مقاومت مسلحانه در فلسطین تاریخی علیه قدرت‌های اروپائی، نیروهای صهیونیستی و شهرک‌نشینان یهودی در حال ورود [به فلسطین] شرکت کرده بود. حماس او را جد [نیای] ایدئولوژیک جنبش می‌داند.

حماس نیز مانند ساف قبل از خود، عملیات نظامی خود را با هدف قرار دادن پست‌های ارتش اسرائیل و جوامع شهرک نشین آغاز کرد که خودروهای بمب‌گذاری شده را در نوار غزه و کرانه‌ی باختری منفجر می‌کرد. اما در ۶ آوریل ۱۹۹۴، چهل و یک روز پس از آن که باروخ گلدشتاین [۵۱] - یک شهرک نشین یهودی‌الاصل امریکائی - بیست و نه فلسطینی را در مسجد ابراهیمی [۵۲] در الخلیل [۵۳] به ضرب گلوله کشت، حماس اولین بمب‌گذاری انتحاری خود را در اسرائیل انجام داد و حملات خود را گسترش داد تا غیرنظامیان در اسرائیل را هدف قرار دهد.

پس از سال‌ها تحمل یک روند صلح طفره‌روانه [و عقیم]، امید اولیه پیرامون اسلو به خشم تبدیل شد. سیاست‌های اسرائیل به انحطاط زندگی فلسطینی‌ها ادامه داد، در همین حال سرزمین‌های فلسطینی به طور فزاینده‌ای قطعه قطعه شده و با گسترش شهرک‌های اسرائیلی از یکدیگر جدا شدند.

در سال ۲۰۰۰، آرل شارون [۵۴]، رهبر حزب مخالف لیکود [۵۵] که بعداً در سال ۲۰۰۱ نخست وزیر اسرائیل شد، به طور تحریک آمیزی از مسجدالاقصی [۵۶] بازدید کرد. این مکان هم در اسلام و هم در یهودیت از اهمیت زیادی برخوردار است. دیدار شارون جرقه‌ی انتفاضه‌ی دوم یا آنچه فلسطینیان از آن به عنوان انتفاضه‌الاقصی یاد می‌کنند، را زد.

چند هفته‌ی اول قیام، که از اورشلیم آغاز شد و به سرعت به کرانه‌ی باختری و غزه گسترش یافت، با تظاهرات گسترده‌ای همراه بود که شامل نافرمانی مدنی و پرتاب سنگ بود. اسرائیل با قدرت بیش از حد واکنش نشان داد. اسرائیل در ماه اول یک میلیون و سیصد هزار گلوله، یعنی به طور متوسط چهل هزار گلوله در روز، به سمت تظاهرکنندگان شلیک کرد.

تهاجمات نظامی شامل هلیکوپترها و تانک‌ها به زودی مناطق پرجمعیت فلسطین را دربرگرفت. این قیام به سرعت به یک شورش مسلحانه تبدیل شد که شامل وقوع مکرر بمب‌گذاری‌های انتحاری بود. در جریان این قیام، نزدیک به پنج هزار فلسطینی و حدود یک هزار اسرائیلی کشته شدند.

در سال ۲۰۰۲، اسرائیل ساخت دیوار تفکیکی، یک سازه‌ی تحمیلی هشت متر ارتفاع را برای بیش از هفتصد کیلومتر آغاز کرد. با اینکه ظاهراً برای عایق‌کردن اسرائیل از کرانه‌ی باختری و محافظت از آن در برابر بمب‌گذاری‌های انتحاری ساخته شده است، ۸۵ درصد از این سازه در داخل خاک فلسطین ساخته شده است و بیش از ۱۳ درصد از زمین‌های فلسطینی‌ها در کرانه‌ی باختری را تصاحب می‌کند.

تقریباً در همان زمان، شارون با خروج هشت هزار شهرک نشین یهودی ساکن نوار غزه، آمادگی خود را برای صرف‌نظرکردن از مناطق فلسطینی اعلام کرد. در سپتامبر ۲۰۰۵، اسرائیل شهرک‌های خود را از غزه برچید.

باکونی می‌نویسد: "مهم‌تر از امنیت، طرح شارون برای حذف این ساکنان فلسطینی از قلمرو قضائی مستقیم اسرائیل بود. این به دولت اجازه داد تا کنترل خود را بر سرزمین‌های کرانه‌ی باختری و اورشلیم شرقی با ۲.۵ میلیون ساکن غیریهودی حفظ کند."

خفه کردن غزه

در ژانویه ۲۰۰۶، حماس در انتخابات پارلمانی فلسطین که ناظران خارجی از جمله جیمی کارتر، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده، آن را الگوی دموکراسی می‌دانستند، شرکت کرد. در شوک اسرائیل، ایالات متحده و محمود عباس، رئیس‌جمهور فلسطین، حماس به پیروزی گسترده‌ای دست‌یافت و ۷۶ کرسی از ۱۳۲ کرسی شورای قانون‌گذاری را در مقایسه با ۴۳ کرسی فتح، به‌دست‌آورد.

پس از انتخابات، محاصره‌ی مالی بین‌المللی علیه دولت فلسطین ایجاد شد و اسرائیل بلافاصله محدودیت‌های شدیدی را برای جابجائی کالاها یا افراد به خارج از منطقه‌ی تحت محاصره‌ی ساحلی اعمال کرد. روابط بین حماس و فتح به شدت تیره شد و درگیری‌های خشونت‌آمیزی در خیابان‌های غزه فوران کرد.

به گفته‌ی باکونی، دولت بوش یک برنامه‌ی محرمانه‌ی "آموزش و تجهیز" [۵۷] را برای تقویت تسلیحات و توانائی‌های فتح برای درگیری احتمالی با حماس آغاز کرد. یک کمیته‌ی امنیتی مخفی نیز تشکیل شد که اسرائیلی‌ها، اعضای

نیروهای امنیتی فلسطین و مستشاران امریکائی را گرد هم می‌آورد تا به چالش امنیتی ایجاد شده توسط حماس رسیدگی کند.

بهرغم موافقت حماس با امتیازات ایدئولوژیک دشوار و حتی موافقت با چشمپوشی از قدرت داخلی [محل] برای رفع محاصره و پایان دادن به بی‌قانونی که در حال تبدیل شدن به یک جنگ داخلی بالقوه بود، توافق‌نامه‌های وحدتی که این گروه تلاش کرد با عباس ایجاد کند، به صورت پی‌درپی به هم ریخته شد.

حماس چند ماه پس از پیروزی در انتخابات در ژوئن، تمام نیروهای خود را بسیج کرد و برای کنترل کامل نوار غزه به حرکت درآمد. حماس با انجام اعمال خشونت‌آمیز بی‌رحمانه علیه مخالفان خود، تنها در عرض چند هفته به این هدف دست یافت.

هر پنج گذرگاهی که از اسرائیل به این سرزمین منتهی می‌شد، به همراه گذرگاه رفح [۵۸] به مصر بسته شده و این قلمرو به صورت کامل بسته و از کرانه‌ی باختری و جهان خارج جدا شد. اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطین نیز از درآمدهائی که معمولاً به شعبه‌های دولت در غزه هدایت می‌شد، ممانعت کردند.

اسرائیل محموله‌های سوخت را به نصف کاهش داد و واردات به غزه را فقط به مواد غذایی ضروری و تجهیزات پزشکی محدود کرد. اسرائیل و جامعه‌ی بین‌المللی با به‌کارگیری استراتژی چماق و هویج، در حالی که زندگی فلسطینی‌های غزه را به روز سیاه نشانند، به این امید که نارضایتی ایجاد کنند و آن‌ها را به شورش علیه حماس تشویق کنند، رهبری عباس را پذیرفتند و به آن قدرت دادند.

بسیسو که در آن زمان در غزه زندگی می‌کرد، به یاد می‌آورد که این محاصره‌ی فلج‌کننده، که باعث شد اسرائیل به شدت نوار غزه را از طریق زمین، هوا و دریا کنترل کند، "کاملاً تحقیرآمیز" [۵۹] بود. "شکلات ممنوع شد. میوه‌ها ممنوع شد. گشنیز ممنوع شد. مجلات و روزنامه‌ها توقیف شد. کتاب ممنوع شد."

اقتصاد غزه ویران شد و بیکاری افزایش یافت. تنها راه نجات مردم، تونل‌های حماس بود که از زیر گذرگاه رفح عبور می‌کردند و می‌توانستند مواد غذایی و مواد اولیه را همراه با سلاح از طریق آن‌ها قاچاق کنند.

بهرغم اینکه اسرائیل برخی از جنبه‌های محاصره مانند اجازه صادرات گل و توت فرنگی از غزه را کاهش داد، اقتصاد سرزمین تحت محاصره به مدت هفده سال به طور سیستماتیک خفه شد و شهرت آن را به عنوان بزرگترین زندان روباز جهان به ارمغان آورد. در طول این مدت، اسرائیل در موارد متعدد به نوار غزه حمله کرده و هزاران نفر را در حملات هوائی کشته است.

بسیسو به من می‌گوید: "سیاست‌های اسرائیل علیه غزه‌ای‌ها همیشه با تخریب بسیار سیستماتیک همراه بوده است. بخش‌هایی از غزه را که در یک دور نابود نمی‌کردند، در دور بعد نابود می‌کردند."

اما سال‌ها عذاب تحت محاصره و حملات نظامی متناوب، به نتیجه‌ای که اسرائیل و جامعه‌ی بین‌المللی امیدوار بودند، نینجامید. در عوض، نیروهای استواری را در اختیار تیپ‌های قسام قرار داد. ابو عبیده [۶۰] سخنگوی گردان‌های قسام می‌گوید که ۸۵ درصد از سربازگیری‌های آن‌ها یتیم‌هایی هستند که والدینشان توسط ارتش اسرائیل در دوره‌های قبلی خشونت کشته شده‌اند.

بسیسو می‌گوید: "محاصره، جنگ‌ها و حملات برای شکستن غزه کارساز نبود، بنابراین مرحله‌ی بعدی برای اسرائیل، نسل‌کشی است."

از ۷ اکتبر، اسرائیل دادگاه اصلی غزه، ساختمان پارلمان و آرشیو مرکزی غزه را ویران کرده است. بهرغم اینکه اسرائیل بارها وعده کرده است که حماس را از بین ببرد، محبوبیت این گروه در کرانه‌ی باختری و در سراسر جهان عرب افزایش یافته است. [۶۱]

حروب توضیح می‌دهد: "ما شاهد سی سال از روند به‌اصطلاح صلح، مذاکرات صلح و استراتژی صلح بوده‌ایم. "نسل کاملی وجود دارد که تحت شرایط و در فرآیند اسلو متولد و بزرگ شده است. همه‌ی شکست‌های اسلو و تعمیق [گسترش] اشغال پس از آن به دستاوردهائی برای حماس تبدیل شده است.

او ادامه می‌دهد: "حماس روز به روز قوی‌تر می‌شود، زیرا اسلو، تشکیلات خودگردان، ساف و اسرائیل در حال شکست دادن فلسطینی‌ها بودند. بسیاری از فلسطینیان – مذهبی و غیر مذهبی – از همه چیز ناامید شده‌اند و مقاومت نظامی را تنها امید خود می‌دانند.

روپاهای غزه

روزی نیست که دراز به غزه فکر نکند. اما او هیچ خاطره‌ای از قیام‌هایی که خیابان‌های غزه را درنوردید یا محاصره‌ی ویرانکننده‌ای که زندگی مردم را زیر و رو کرد، ندارد. او فقط زندگی در غزه را به یاد می‌آورد قبل از اینکه اسرائیل زیبایی آن را با تیرمروزی جایگزین کند.

دراز به من می‌گوید: "کاشت خیار، گوجه فرنگی و خوردن مستقیم سر زمین و از درختان – این زندگی ما در غزه بود." "اوه، و ماهی! ماهی خیلی زیاد بود."

هنگامی که دراز به رویدادهای ۷ اکتبر می‌اندیشد، چشمانش پر از اشک می‌شود و به آمار فاجعه‌بار کشته‌ها در غزه فکر می‌کند که شامل چندین تن از بستگان او نیز می‌شود. اما مانند بسیاری در سراسر جهان عرب، او حملات ۷ اکتبر را یک اقدام مشروع برای مقاومت می‌داند. او آرزو می‌کند که روزی خانواده‌اش به غزه بازگردند تا بار دیگر در هوای مرطوب و نمکی غزه نفس بکشند.

دراز با افتخار می‌گوید: "من چهل و سه نوه دارم." "لحظه‌ای که آن‌ها به دنیا می‌آیند، مطمئن می‌شوم که با شیر فلسطین تغذیه می‌شوند. کلید بازگشت ما در پشت درهای تکتک آن‌ها آویزان است."

این وظیفه‌ی ماست که این شناخت و آگاهی از فلسطین و عشق‌مان به سرزمین‌مان را به نسل بعدی منتقل کنیم. و اگر خدا بخواهد روزی نسلی خواهد آمد که فلسطین را آزاد خواهد کرد. و در آن روز همه‌ی پناهندگان سرانجام به خانه باز خواهند گشت."

[۱] <https://jacobin.com/2024/02/refugees-gaza-war-destruction-israel>

[۲] [JACLYNN ASHLY](#)

ژاکلین اشلی یک روزنامه‌نگار مستقل است که در حال حاضر در ایالات متحده‌ی امریکا ساکن است.

[۳] Ibrahim Hassan Muhammad Abu D'ema

[۴] Al-Wehdat

[۵] Amman

[۶] Jordan

[۷] Yaffa

- [۸] Tel Aviv
- [۹] Khan Younis
- [۱۰] Nakba
- [۱۱] “catastrophe,”
- [۱۲] Ehab Bseiso
- [۱۳] Dar al-Kalima University
- [۱۴] Bethlehem
- [۱۵] The Anthedon
- [۱۶] The Saint Porphyrius
- [۱۷] Sayed al-Hashim Mosque
- [۱۸] Old City
- [۱۹] “modernity and cosmopolitanism”
- [۲۰] The Anglican Hospital
- [۲۱] “Gaza envelope”
- [۲۲] Isdud
- [۲۳] al-Majdal
- [۲۴] Ashkelon
- [۲۵] Omar Mahmoud Draz
- [۲۶] “Naksa”
- [۲۷] “beacon of Palestinian nationalism”
- [۲۸] Jabalia
- [۲۹] Palestine Liberation Organization (PLO)
- [۳۰] Oslo

گفته می‌شود که آغازگر (ساف) سازمان آزادیبخش فلسطین و اسرائیل پیمان‌های اسلو به دو موافقتنامه میان حکومت را فراهم آورد حکومت خودگردان فلسطین فرایند صلح اسرائیل و فلسطین شده و موجبات تأسیس

بیل رسیدند و اسحاق رابین و ياسر عرفات در سال ۱۹۹۵ به امضای پیمان اسلو ۲ در سال ۱۹۹۳ و پیمان اسلو ۱ رئیس‌جمهور امریکا در هر دو پیمان به عنوان میانجی و شاهد حضور داشت. هدف این فرایند رسیدن به یک کلینتون معاهده صلح بر مبنای قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت سازمان ملل و تحقق "حق تعیین سرنوشت مردم آغاز شد و به نروژ پایتخت اسلو فلسطین" بود. فرایند صلح اسلو با مذاکرات سری نمایندگان ساف و اسرائیل در رسمیت شناختن اسرائیل توسط ساف به عنوان یک دولت قانونی و به رسمیت شناختن ساف توسط اسرائیل به عنوان (نماینده فلسطینیان را به همراه داشت. (م، نقل از ویکی پدیا

- [۳۱] Harakat al-Muqawama al-Islamiyya, or the Islamic Resistance Movement.
- [۳۲] Khaled Hroub
- [۳۳] Northwestern University in Qatar
- [۳۴] *“Hamas: Political Thought and Practice”*
- [۳۵] Islamic Association
- [۳۶] umbrella organization
- سازمان چتر ، در واقع گروهی است که در محیط‌های تجاری، سیاسی یا محیط‌های دیگر، منابع و اغلب هویتی را برای (سازمان‌های کوچکتر فراهم می‌کند. م)
- دادن مجوز برای این‌گونه فعالیت‌های اجتماعی از سوی اسرائیل به نوعی نشان دهنده‌ی اراده‌ی حاکم بر اسرائیل [۳۷] و امید آن برای گسترش افکار و اندیشه‌های آن‌ها در برابر اندیشه و رویکرد سوسیالیستی به مسائل اجتماعی بود که در (آن زمان هم در جهان و هم در جنبش خلق فلسطین از جذابیت و وزن قابل توجهی برخوردار بود. م)
- [۳۸] Sheikh Ahmad Yassin
- [۳۹] paraplegic man
- [۴۰] al-Jura
- [۴۱] Ashkelon
- (اشکلون نام عبری شده عسقلان است که طی قرون متمادی یکی از شهرهای اسلامی بوده است. م)، نقل از ویکی‌پدیا
- [۴۲] Hroub
- [۴۳] Algiers
- [۴۴] Tareq Baconi
- [۴۵] Al-Shabaka
- [۴۶] *“Hamas Contained: The Rise and Pacification of Palestinian Resistance”*
- [۴۷] Baconi
- [۴۸] The Palestinian Authority (PA)
- [۴۹] Izz ad-Din al-Qassam
- [۵۰] Al-Qassam
- [۵۱] Baruch Goldstein
- [۵۲] Ibrahimi Mosque
- [۵۳] Hebron (به زبان عبری)
- [۵۴] Ariel Sharon
- [۵۵] Likud party
- [۵۶] Al-Aqsa Mosque
- [۵۷] “train and equip”
- [۵۸] Rafah
- [۵۹] “absolutely humiliating”

[۶۰] Abu Obeida

(و البته به استناد پژوهش‌های متعدد این نتیجه‌گیری به سطح جهانی نیز قابل تعمیم است. م [۶۱])